

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

از آن جا که بعضی از آقایان در این ایام به لباس مقدس روحانیت ملبّس شده‌اند؛ هم به آن‌ها تبریک عرض می‌کنم و آرزو می‌کنم که این لباس را برای آن‌ها لباس عزّت و علم و تقوا برای همه و برای ما قرار دهد. معنای لباس روحانیت در حقیقت این است که انسان از همه‌ی جهات خودش را برای دین وقف می‌کند؛ این است معنای لباس روحانیت، نه این که علامتی باشد که ما در این سلك و این راه قرار گرفته‌ایم؛ بلکه واقعیتش این است که انسان از همه جهات خودش را برای دین وقف کند، و عمرش را باید برای دین سپری کند؛ و هیچ سعادت و افتخاری نیز در عالم از این بالاتر نیست که انسان عمرش را در راه دین بگذراند و آثاری از خودش برای دین و مردم باقی گذارد. به هر حال، اگر انسان قدر لباس را بداند و شؤون لباس را کاملاً رعایت کند، بزرگان ما فرموده‌اند که آثار فراوانی برای آن هست؛ هم از نظر علمی، هم از نظر معنوی، هم از نظر اجتماعی، هم از نظر مادی و جهات دیگر. امیدواریم که انشاءالله خداوند روز به روز توفیقات و عنایاتش را بر همه‌ی ما و کسانی که در این ایام ملبّس به این لباس شده‌اند، مضاعف بفرماید.

خلاصه‌ی جلسه‌ی گذشته

اما اشکال اول از اشکالات عامّه را بررسی کردیم، و آخرین جوابی که نقل کردیم، جواب مرحوم محقق عراقی بود؛ و اشکالاتی که مرحوم آقای خویی عنوان کرده بودند را نیز متعرّض شدیم؛ و به نظر ما، این جواب مرحوم محقق عراقی پاسخ تامّی است؛ هم بیان اوّل ایشان و هم بیان دوّم ایشان. ادلّه‌ی حجّیت خبر واحد شامل خبر سیّد مرتضی نمی‌شود و طبق بیان اولی که ایشان فرمودند استحاله دارد؛ و همچنین مسأله از باب دوران بین تخصیص و تخصّص است. در این مورد، به همین مقدار اکتفا می‌کنیم؛ قرار شد که آقایان جوابی را امام (رض) از مرحوم محقق عراقی بیان کرده‌اند را ملاحظه کنند؛ و اگر در کلمات مرحوم عراقی دقت شود، پاسخ مرحوم امام نیز قابل مناقشه است.

بیان اشکال دوّم از اشکالات عامّه بر ادلّه‌ی حجّیت خبر واحد

اشکال دوّم از اشکالات عامّه که از مهم‌ترین اشکالات است، و بر همه‌ی ادلّه‌ی حجّیت خبر واحد این اشکال وارد است، این است که ادلّه‌ی حجّیت خبر واحد شامل اخباری که فقها هم‌اینک می‌خواهند به آن‌ها برای استدلال احکام شرعی استناد کنند، نمی‌شود. اخباری که دست ما هستند، مع الواسطه هستند؛ یعنی مرحوم کلینی از کسی نقل می‌کند و او از دیگری نقل می‌کند، و همین‌طور با چند واسطه تا این که به امام معصوم علیه‌السلام می‌رسد. ادلّه‌ی حجّیت خبر واحد شامل این اخبار مع الواسطه نمی‌شود. در مورد این که چرا شامل نمی‌شود، در نسخ کتاب رسائل بیان‌هایی ذکر شده و بر روی بعضی نیز خط کشیده و گفته‌اند از عبارت مرحوم شیخ نیست؛ مرحوم محقق نائینی در فوائد الاصول مجموعاً پنج بیان برای این مدّعا ذکر کرده‌اند.

بیان اول از اشکال دوم اشکالات عامه

بیان اول، انصراف است. گفته‌اند: این ادله که می‌گویند خبر واحد حجّت است، موردی را شامل می‌شود که یک عادل خودی مطلبی را شنیده باشد و یا دیده باشد و از آن خبر دهد؛ اما جایی که زید از عمرو و او از بکر و بکر از خالد و خالد از خویلد نقل می‌کند، از این مورد انصراف دارد. ادله‌ی لفظیه‌ی حجّیت خبر واحد از این انصراف دارد؛ و ادله‌ی لبیه که عبارت از سیره‌ی عقلا و بنای عقلاست باید قدر متیقّن‌گیری شود که قدر متیقّن خبر بدون واسطه است؛ اما خبر با واسطه را شامل نمی‌شود. بیان دیگر از انصراف این است که اگر ادله‌ی حجّیت خبر واحد شامل اخبار مع الواسطه نیز بشود، موردی که واسطه زیاد است را دیگر شامل نمی‌شود. اخباری که دست ماست تا به امام معصوم علیه‌السلام بخواهد برسد، گاه شش واسطه، گاه هفت واسطه می‌خورد؛ واسطه‌ها زیاد هستند، و ادله‌ی حجّیت خبر واحد از این مورد انصراف دارد.

پاسخ مرحوم نائینی از انصراف

مرحوم نائینی در صفحه‌ی 177 از جلد 3 فوائد الاصول، دو جواب از این دلیل داده‌اند. جواب اول این است که ما انصراف را قبول نداریم؛ شما ادعای انصراف می‌کنید، اما برای آن دلیلی ندارید. مقصود ایشان قاعده‌تاً این است که انصراف نیاز به منشأ دارد، منشأ انصراف باید کثرة الاستعمال باشد و ما چنین چیزی را نداریم؛ لذا، می‌فرمایند: لا موجب للانصراف. جواب دوم این است که اگر دقت شود، هر واسطه‌ای از خبر سابق خبر می‌دهد؛ کلّ لاحق یخبر عن سابقه؛ نفر بعد که از نفر قبل خبر می‌دهد، این بدون واسطه است؛ گاه این شخص می‌خواهد از امام معصوم علیه‌السلام خبر دهد، که نسبت به کلام امام علیه‌السلام، مع الواسطه می‌شود؛ اما این شخص می‌گوید زید گفت؛ و این اخبارش از زید، خبر بدون واسطه است؛ بنابراین، چون در این‌جا هر لاحقی از شخص سابق خبر می‌دهد، خبر در این‌جا بدون واسطه می‌شود و نه با واسطه. این دو جوابی است که مرحوم نائینی بیان کرده‌اند.

پاسخ مرحوم امام خمینی از انصراف

مرحوم امام در صفحه‌ی 452 از جلد 2 تهذیب الاصول می‌فرماید: اولاً ما انصراف را نسبت به واسطه‌های کثیر به‌طوری که کثرة الوسائط حجّیت را ساقط کند، قبول داریم؛ اما در مانحن فیه، اخباری که دست ما رسیده‌اند، صدور این اخبار از مؤلّفین نیازی به ادله‌ی حجّیت ندارد؛ این که مرحوم کلینی یا شیخ طوسی این خبر را نقل کرده‌اند، صدور این روایات از مؤلّفین کتب اربعه به نحو متواتر است؛ یعنی در این که مرحوم کلینی یا شیخ طوسی یا مرحوم صدوق این روایت را در کتاب‌هایشان آورده‌اند، هیچ تردیدی نیست. بنابراین، برای صدور این روایات از مؤلّفین کتب نیازی به ادله‌ی حجّیت نداریم، چون برای ما قطعی هستند؛ و حال آن که مورد ادله‌ی حجّیت جایی است که شک داریم؛ اما این‌جا یقین داریم. می‌آییم سراغ واسطه‌هایی که مؤلّفین از آن‌ها - واسطه‌های بین مرحوم شیخ - مثلاً - و امام معصوم علیه‌السلام - روایت را نقل می‌کنند، می‌فرمایند: در این‌جا به ادله‌ی حجّیت نیاز داریم؛ اما این به اندازه‌ی نیست که خبر از اعتبار ساقط شود. کثرة الوسائط به این حدّ نیست. عبارت ایشان این است: «أَمَّا الْأَخْبَارُ الدَّائِرَةُ بَيْنَنَا فَصُدُورُهَا عَنْ مُؤَلِّفِهَا إِمَّا مُتَوَاتِرَةٌ كَالْكَتَبِ الْأَرْبَعَةِ وَلَا نَحْتَاجُ فِي إِثْبَاتِ صُدُورِهَا عَنْ هَؤُلَاءِ الْأَعْلَامِ إِلَى أدْلَةٍ الْحُجَّةِ». نسبت به ادله‌ی لبیه چه می‌گویید؟ جواب این است که چنین چیزی نیست. قدر متیقّن‌گیری جایی است که تردید داریم؛ الآن اگر به عقلا مراجعه کنیم و بگوییم خبری با دو واسطه نقل شده است؛ می‌گویند اگر روات آن موثّق باشند، قبول است. هیچ گاه عقلا نمی‌آیند اخبار را به خبر بدون واسطه محدود نمی‌کنند. وقت گذشت، ان شاء الله بیان دوم را فردا عرض خواهیم کرد.